

۳۶ روز تا جام جهانی

بکام را کنار می گذاشتم

آلن هنسن*

ترجمه: وصال روحانی

زمانی که بازیکنان به اتاق‌های اختصاصی‌شان در هتل بازمی‌گشتند، احتمالاً صعود به مرحله یک‌چهارم نهایی کافی است تا آنها احساس خشنودی و شادمانی کنند. کلنجار رفتن با دیگر مسائل چنین مسابقه‌ای مهم نیست.

شما هفته گذشته، عصر شنبه، می‌توانستید در کمال آرامش بنشینید و بازی لب‌الب از هیجان و زیبایی آرژانتین و مکزیک را تماشا کنید. مسابقه‌ای که شاید با دیدن آن تصور می‌کردید، نبردی است که گویا میان دو تیم از دو سیاره گوناگون شکل گرفته است. بازی آنها سرعت داشت و نیز به طور منظم پاس‌های سری میان بازیکنان رد و بدل می‌شود. اما برعکس، انگلستان تنها زمانی از این شیوه استفاده کرد، که به نظر برسد برایش در آن برهه ضروری بود.

وقتی آنها به فرانکفورت رفتند تا نخستین مسابقه‌شان را در این تورنمنت انجام دهند، مهمترین هدف آن بود که در آن مسابقه برنده از میدان خارج شوی. در برابر ترینیداد و توباگو، وقتی با یک پیروزی خفیف نیز می‌توانی صعودت به دور بعد را قطعی کنی، خب پس پیروزی هدفی است که در اولویت قرار می‌گیرد. اما ما انگلستان را در آخرین بازی‌اش در برابر حریفی یافتیم، که به مراتب از منظر توانایی و قابلیت‌های فنی از آنها در سطح نازل‌تری قرار داشت و این تیم را می‌توان بهترین و ساده‌ترین قرعه موجود در این مرحله از مسابقات برای انگلستان خواند.

اما نکته مایوس‌کننده و آزاددهنده این است که با آگاهی از چنین مسئله‌ای، انگلستان را باید سرزنده‌تر و مسلط‌تر از کشوری چون اکوادور در این مسابقه می‌دیدیم. آرژانتین و آلمان، هر دو در برابر رقبایشان با اراده فوتبالی فوق‌العاده و تحسین‌برانگیز توانستند دیگر حریفان را تحت تأثیر خود قرار دهند. در حالی که این دو تیم، با ارائه فوتبال قاطع و قابل اطمینان از موانع‌شان گذر کردند، ولی انگلستان باید بیش از هر چیز، از اقبال و یخت بلندش سیاست‌گزار باشد که با ایده‌آل ترین قرعه موجود در این مرحله مواجه شد و بالطبع، پرتغال در مرحله یک‌چهارم نهایی، رقبیشان، زمین تا آسمان متفاوت است با اکوادور. . .

اکوادور را جدّاً از شناسایی در دقایق اولیه مسابقه برای باز کردن دروازه‌بل رایبسنون داشتند، مجموعه‌ای یافتم، که هنوز این اعتقاد و تلقی را در خود تبلور نیافته که در برابر تیم‌های مدعی و بزرگ نیز می‌توان به «گل» دست یافت. اما اگر اسون گوران اریکسون در پی استخراج نکات مثبت و امیدوارکننده از این مسابقه است، احتمالاً با دو مسئله مثبت روبه‌رو می‌شود. اولی وین رونی و دومی نیز مایکل کریک. وقتی که در جریان مسابقه غرق شدم، گمان می‌کردم که اریکسون بیش از ۷۰ دقیقه به رونی میدان نخواهد داد و پس از آن او را زمین مسابقه بیرون خواهد کشید. در ۴۵ دقیقه ابتدایی مسابقه، وین کاملاً یک فوتبالیست ساکت و کم‌اثر بود و چنین نمایشی چندان منطبق بر استانداردهای فنی او نیست. اما در وقت دوم مسابقه او را می‌توانستی در تمام مکان‌هایی که توپ در آن در جریان است، ببایی. . . تمام مدت، مدام به دنبال این بود تا مالکیت توپ زمین را از آن خویش کند و آشکارا خود را در مسابقه غرق ساخته بود. به‌گونه‌ای که با تماشای نمایشش گمان نمی‌کردی که او فوتبالیستی است که تازه پس از گذر ۱۲ ماه، چند روزی است که از یک آسیب دیدگی شدید استخوان حساس مانتارسال رهایی یافته.

تنها نمی‌توانیم با مشاهده آن عملکرد بگوییم که استخوان مانتارسال او بهبود یافته، بلکه در کل «وین» اثبات کرد که کاملاً فوتبالیستی است که برای یک ۹۰ دقیقه کامل آماده و مهیای حضور در میدان است. اگر رونی در برابر پرتغال نیز این چنین ظاهر شد، حقیقتاً شانس بسیاری برای غلبه بر آنها خواهیم داشت. نکته مثبت دیگر مسابقه مایکل کریک بود. هر چه که از زمین مسابقه می‌گذشت، کریک را مسلط‌تر بر توپ و میدان می‌یافتیم، به طوری که در طول مسابقه، کم به یاد دارم که پاس یا ضربه‌ای از سوی او به هدر رفته باشد. حضور مایکل کریک به عنوان یک هافبک تخریب‌گر و یک لنگر، که این لنگر وظیفه‌اش این است خط دفاعی و میانی تیم را به یکدیگر متصل کند، انتظاری است که همیشه نمی‌توان به عملی شدن آن امید داشت. مگر اینکه تنها، اوون هارگریوز مجبور شود تا در نبود گری نویل به سمت راست خط دفاعی برود. هارگریوز در پستی که با آن کاملاً بیگانه بود عملکرد قابل قبولی داشت. هر چند گهگاهی که با آن تکل‌های غیرمنطقی داشت بازیکنان حریف را هدف قرار می‌داد، بیش از همیشه عدم تجربه و توانایی‌اش در آن پست از زمین هویدا می‌شد. نبود گری نویل، به گونه‌ای آشکار بر عملکرد فنی دیوید بکام تأثیر گذاشته است. اگر اریکسون برای بازی با پرتغال قصد داشته باشد که از میان کریک و بکام یکی را از ترکیب اصلی حذف کند، رای من، با توجه به عملکرد درخشان کریک، من بکام را از سیستم اصلی کنار خواهم گذاشت. در بازی گذشته، کاپیتان انگلستان، یک روز حقیقتاً کم‌روغی را در راه برنامه‌های تیمی پشت سر نهاد و اگر او آن گل را به ثمر نمی‌رساند، امروز دیگر کمتر نویسنده و تحلیلگری حاضر به تحمل او در زمین مسابقه بود.

در انتها باید یادآوری کنم که این نخستین باری نیست که انگلستان با ارائه بازی‌هایی انتقادآمیز در مسابقات پیش می‌رود. در جام جهانی ۹۰ در حالی که یکی از ساده‌ترین گروه‌ها نصیبمان شده بود، با سه نتیجه ضعیف به دور بعدی راه یافتیم و با همین نمایش‌های متوسط در جمع ۴ تیم قرار گرفتیم. در حالی که پیش از آن، شک و تردیدهای فراوانی در خصوص توانایی‌های تاکتیکی بایی رابسون موجود بود. به زودی مشخص می‌شود که این تیم با چه سیمایی آلمان را ترک خواهد گفت. آنها باید عملکردشان را چشمگیرتر سازند. در غیر این صورت «آلمان» و «جام جهانی ۲۰۰۶» جز افسوس و شرم چیز دیگری را با خود به انگلستان نخواهد فرستاد.

#مدافع اسبق لیورپول و مفسر بی‌بی‌سی

پس‌وای بازیکنان

کمی به آنچه که در کاپیزرسلاترن اتفاق افتاد فکر کنید. اگر مدینا در ثانیه‌های پایانی ضد ایتالیا سوت می‌زد و آن پناثلی برای استرالیا گرفته می‌شد، امروز فوتبال ایتالیا چه وضعیتی داشت، آینده‌اش چگونه می‌شد؟ آنها حالا خوشحال هستند که پناثلی شک برانگیز به نفع آنها گرفته شده و فرانچسکو توتی آن را تبدیل به گل پیروزی و صعود به مرحله یک‌چهارم نهایی را قطعی کرده است. ایتالیایی‌ها امروز به دنبال آدرس، کدپستی و شماره پلاک خانه داور بازی هستند تا برایش گل بفرستند و از او تشکر کنند که آنها را از جهنم بیرون آورده است و حداقل چند روزی می‌توانند خوشحال باشند. این طور بودن واقعاً زیباست و باید به آن تصاویر در لحظه آخر دوباره فکر کرد، به چشم‌های توتی که در حرکت اول به مغزش رسید که با یک ضربه قاشقی (چیپ) کار را تمام کند اما ثانیه‌ای بعد با یک شلیک سنگین گل پیروزی را در ثانیه‌های آخر به ثمر می‌رساند. یک، دو، سه، . . . پنج ثانیه بعد همه به سوی نیمکت حمله می‌کنند. خوشحال هستند، در تلویزیون، رادیو، میدان‌های شهر، رستوران‌ها، قطارها و حتی در فرودگاه همه فریاد می‌کشند و دیوانه‌وار شادی می‌کنند. کانگوروها و گرگ پیر به خانه‌شان برمی‌گردند. ایتالیا به مرحله بعد صعود می‌کند. به نظر می‌رسد همه چیز در ایتالیا زیباست. روزهای پرتنش و جنگ‌البرانگیز فراموش می‌شود. طرفداران ایتالیایی گویی در برابر یک فیلم ترسناک و پلیسی قرار گرفته‌اند و تا لحظه آخر نمی‌دانند که چه بلایی سرشان می‌آید اما همچنان امیدوار هستند که تیمشان برنده شود. وقتی توتی پشت توپ قرار می‌گیرد، سکوت بر همه جا حکم فرماست. او می‌دود، نفس‌ها در سینه حبس می‌شود، گل و فریاد. زندگی حالا شروع می‌شود و توتی حق داشت که چند روز قبل به خبرنگاران گفته بود «باید تحمل داشته باشید تا ما توانیم کارمان را خوب انجام دهیم.» این سرانجام کار است. فقط یک نویسنده آمریکای جنوبی لازم است تا طولانی‌ترین پناثلی تاریخ فوتبال ایتالیا را شرح دهد و خشونت و خشکی‌های آزاددهنده قبل از آن را بازنویسی کند. در عوض در سیدنی شرایط به‌گونه‌ای دیگر بود. آنها به فوتبال لعنت می‌فرستند که در لحظه آخر آنها را از سرخوشی بزرگی محروم کرد. از امروز آنها فقط به کریکت، تنیس و راگی فکر می‌کنند. استرالیایی‌ها خاطرات تلخی از فوتبال دارند و دیگر نمی‌خواهند به فوتبال فکر کنند. اما ایتالیا؟ پیش می‌روند. برخلاف آنچه که ۲۴ ساعت قبل از شروع بازی ایتالیا – استرالیا جنگ اصلی داخلی به راه افتاده بود و مارچلو لیپی بیش از از اردوی خبرنگاران دور کرد و با لحن تند و خشنی آنها را متهم کرده بود که جو تیمش را به هم ریخته‌اند و با دخالت‌های بی‌مورد (خاله‌زنک بازی) هر روز به دنبال یک اتفاق و داستان جدید هستند. هر چند آن جنگ هنوز هم ادامه دارد و فقط این پیروزی ثانیه‌ای مدتی جنگ را کنار می‌زند و خود را نشان می‌دهد اما تا روز جمعه که قرار است ایتالیا مقابل اوکراین قرار بگیرد، سرخوشی‌های برد همه تمام می‌شود و تیم به شرایط قبلی اما با استرس کمتر برمی‌گردد. استرالیا ۴۰ دقیقه با یک بازیکن بیشتر ادامه داد و اخراج ماتراتزی که آخرین مرد جنگجوی ایتالیایی بود، کار را برای تیم لیپی سخت کرد، اما اگر هلندی توانست از این برتری نهایت استفاده را ببرد و فقط در اثر یک اشتباه در ثانیه‌های پایانی وقت معمول همه چیز را از دست داد تا این تیم ایتالیا باشد که مسافرت جام جهانی‌اش را ادامه دهد. مارچلو لیپی که روز بازی همه را غافلگیر کرد و آلساندرو دل‌پیرو را برای بازی انتخاب کرد، به دنبال تأیید و تأکید تمام تفکرات تاکتیکی بود که از دو روز قبل درباره آن جنگ و جدل می‌کرد ولی هیچ فایده‌ای نداشت. توتی روی نیمکت رفت، دل‌پیرو پشت سر توتی و جیلاردینو قرار گرفت و



ایتالیا در جمع هشت تیم پایانی

پسرکی که ایتالیا

را نجات داد

محسن ابراهیمی

خواهش می‌کنم امروز از شناس صحبت نکنید. از استرالیا می‌ترسیدیم، آنها خیلی می‌دوند و باید به تیمی که نیمه اول کمترین شناس و فرصت را به ما می‌دهند احترام بگذاریم. نیمه دوم ده نفره بودیم اما تا جایی که امکان داشت قدرت خودمان را تحمیل کردیم. در دقیقه

۹۳ گروسو وارد محوطه جریمه می‌شود، دو نفر را دریل می‌زند و او را به زمین می‌زنند. کجای این موضوع شناسی است. لیپی در مورد پناثلی هم می‌گوید: «من هم فکر می‌کردم که توتی بخواهد دوباره پناثلی را قاشقی بزند و به خودمان گفتیم که امیدوارم این طور نزنند. «و جایگزین ایتالیایی‌اش را خراب کند؛ چرا که هنوز جنگ داخلی ایتالیا تمام نشده، فقط آتش آن به خاطر این طور نزند. «و جایگزین دل‌پیرو و نیمکت‌نشینی توتی «من ترجیح دادم که از ابتدا در زمین نباشد، در آخرین بازی خسته شده بود و به من گفته بود که می‌ترسد شوت بزند و بهتر دیدم که او را برای دقایق پایانی به میدان بفرستم. توتی وقتی به میدان رفت، ریتم وودنگی استرالیا را به هم زد. البته من به تیم و گروه‌م اعتقاد کامل دارم. واقعاً به خاطر مصدومیت‌ها و اخراج‌ها متاسف هستم اما این تیم توانایی بیشتری دارد تا به‌رغم غایب‌ها باز هم خوب بازی کند. فراموش نکنید که توتی سه ماه پیش مصدوم بود و باید بهبود پیدا

خلاصه مطلب

۱- اما شرایط ایتالیا چندان ایده‌آل نیست.

ضرورت خط دفاعی مطمئن تر به چشم می‌آید، خصوصاً اینکه رقیب آنها آندری شوچنکو باشد.

کسی که سال‌ها در ایتالیا زندگی کرده است و این فوتبال را به خوبی می‌شناسد.

پناثلی برای ایتالیا تعلق ندارد، او بازیکن چلسی

است و شاید آخرین رویاهای دوستان

ایتالیایی‌اش را خراب کند؛ چرا که هنوز جنگ

داخلی ایتالیا تمام نشده، فقط آتش آن به خاطر

فرامی‌رسد، همان طور که ۲۴ ساعت قبل از

بازی رقیای اصلی یکدیگر را شناختند.

آرایش تیمی ایتالیا همان شکل هجومی و معقول خود را پیدا کرد اما اشتباهات فردی یکی پس از دیگری لیپی را مجبور کرد تا از تمام نیروهای خود استفاده کند و حداقل اگر درهای انتقاد را بر روی خود باز می‌کند، این شناس را داشته باشد تا بگوید پاکوینتا و توتی هم به میدان

رفتند اما شناس و کمی هم

پناثلی مشکوک آنها را نجات

داد. خبرنگاران ایتالیایی

می‌گویند که این پناثلی هدیه

داور به خاطر اشتباه او در

اخراج ماتراتزی بود. آنها حالا

از تمام اتفاقات متشکر

هستند، از پس‌رکی که با

موهای کوتاهش انگشت به

دهان می‌گیرد و تور دروازه

استرالیا را به لرزه درمی‌آورد.

دو ثانیه برای جبران کافی

نیست اما ایتالیا در ده ثانیه آخر

دو در سرعت و با پاهای

گروسو که روی نیل خراب شد

به مرحله بعد صعود کرد.

مارچلو لیپی می‌گوید: من

فکر نمی‌کنم که این تیم‌ها از نظر تاکتیکی ضعیف

باشند... اما می‌توانیم بگوییم که آنها از نظر کیفیت و

تعداد بازیکنان موثر نسبت به اروپایی‌ها در حداقل

هستند. اینجا تیم‌های بزرگ و اروپایی مدت زمان

بیشتری در کنار یکدیگر کار می‌کنند و همین باعث

برتری می‌شود.

ورزش

سال سوم ■ شماره ۷۹۵

حاشیه

جملات جالب و شنیدنی و عکس‌العمل‌های بعدی بازیکنان، مربیان و آدم‌های معروفی که تحت تأثیر فوتبال قرار گرفته‌اند طی دو هفته ابتدایی جام جهانی در تمام روزنامه‌های دنیا چاپ شده‌است.

شاید به دلیل حجم خبرها و هیاهوی فوتبال کمتر به چشم آمده‌اند اما مرور آنها بعد از اتفاقات دو هفته اخیر نشان می‌دهد که در چه سطح و اندازه‌ای دیگران حرف زده‌اند البته همیشه خواندن آنها جالب است. روزنامه رپوبلیکا دیروز بخشی از این جملات را چاپ کرد.

۶-۷: **رحمان رضایی** در مورد سیاست: شما

در مورد ما فکر اشتباهی دارید. ما فوتبالیست هستیم، سیاستمدار نیستیم.

۶-۲۳: **ایران دربرابر رضایی**: بازیکنان مسئول این شکست هستند و باید در برابر نمایندگان مجلس پاسخگو باشند.

۶-۸ **لولا (رئیس‌جمهور برزیل)** در مورد

رونالدو: واقعاً رونالدو اینقدر چاق است؟

۶-۹: **رونالدو در برابر لولا**: این واقعیت دارد که او بیش از اندازه مشروبات الکلی می‌خورد؟

۶-۹: **مارادونا در برابر پله**: من اینجا نیامده‌ام که پله را ببینم.

۶-۹: **گامارا در برابر کراوج**: ترجیح می‌دهم که یک غول بی‌شاخ و دم را مهار کنم چون قدرت بیشتری خواهد داشت و ضعیف نیست.

۶-۱۰: **گامارا در برابر گامارا**: انگلستان-پاراگوئه ۱-۰، زننده گل: گامارا به دروازه خودی

۶-۱۰: **آدریانو در برابر رونالدو**: من بیشتر از

او گل می‌زنم.

۶-۱۱: **رونالدو در برابر آدریانو**: بین ما دوتا اوست که باید فدا شود.

۶-۱۶: **آدریانو در برابر رونالدو**: با روبینو بهتر

بازی می‌کنم.

۶-۱۰: **کوفور در برابر ایتالیا**: شما را شکست

می‌دهیم و در مرحله بعد هم برزیل را.

۶-۱۲: **ایتالیا در برابر کوفور**: ایتالیا- غنا ۲-

۰ اشتباه بزرگ کوفور و پاسی که منجر به گل دوم ایتالیا توسط پاکوینتا شد.

۶-۱۱: **کافو درمورد آینده**: در جام جهانی

۲۰۱۰ هم حاضر خواهم بود.

۶-۱۱: **کینگستون درمورد فاروق**: من همیشه

خودم هستم فقط دو ملیت دارم و دو نام. در

غنا من ریچارد کینگستون هستم و در ترکیه فاروق گورسای. اما همیشه خودم هستم.

۶-۱۱: **پریرا در برابر توتی**: او هیچ خاصیتی

ندارد. ما در برزیل هزار تا مثل او داریم.

۶-۱۳: **بوفون در برابر بوفون**: هیچ رفتی برای

بازی ندارم. برای خودم و ایتالیا بازی می‌کنم.

۶-۱۲: **کوهن سرمربی سوئیس در برابر هوش**

خودش: تیری آئری فقط دو پا دارد.

۶-۱۳: **یاناش سرمربی لهستان در مورد خودش**: خودم را مثل هملت می‌دانم: بودن یا

نبودن؟

۶-۱۳: **روزنامه بیلد در برابر بکام**: خواهرت

چاقه، مادرت لیخند یک زن دهاتی رو داره و

بچه‌ها ت هم بچه ننه هستند.

۶-۱۳: **فان باستنر در برابر تیمش**: کسی که

دعوا می‌کند بعد هم باید برود و با روبروسی از

همه معذرت بخواهد.

۶-۱۳: **روزنامه فولها در برابر رونالدو**:

رونالدو مرده‌ای در زمین است.

۶-۱۶: **مارادونا در برابر آرژانتین**: یک روز

مربی تیم ملی خواهم شد.

۶-۱۴: **آمریکایی‌ها در برابر ایتالیا**: جام

جهانی مثل یک جنگ است.

۶-۱۵: **سانپول در برابر مسئله سن بازیکنان**:

اگر تیم فرانسه پیر است پس در مورد میلان چه

باید گفت؟

۶-۱۵: **پکرمن در برابر کامپباسو**: ریکلمه را

همیشه حفظ خواهم کرد چون کارایی بیشتری

دارد. کامپباسو را بیرون می‌گذارم.

۶-۱۶: **آرژانتین در برابر صربستان ۶-۰** و

کامپباسو ۱۴ دقیقه بعد از ورودش گل می‌زند.

۶-۱۶: **مسی در مورد آرژانتین**: ما مدعیان

قهرمانی هستیم.

۶-۱۶: **زامبروتا در مورد ایتالیا**: ما یکی از

مدعیان قهرمانی هستیم.

۶-۱۷: **زیکو در مورد ژاپن**: ما فقط یک مشکل

داریم. نمی‌توانیم گل بزنیم.

۶-۱۷: **د روسی در برابر مک براید**: معذرت

می‌خواهم. من همیشه این جور می‌بازی می‌کنم.

۶-۱۸: **رونالدو در برابر رونالدو**: همیشه از

خودم خوشم می‌آید.

۶-۱۹: **خبرنگار ایتالیایی و جمله مبهم او در**

مورد فرانسه: فرانسه زیدان به مصاف توگوی

بدون زیدان می‌رود.

۶-۱۹: **لیبراسیون در مورد فرانسه**: فرانسه

حوصله همه را سر می‌برد.

۶-۱۹: **گئوزو در برابر نودو**: تو شوت می‌زنی،

من تکل می‌روم. تو توپ طلا داری و من توپ‌ها

را می‌دزدم. من می‌جنگم و تو فقط دیگران را

گول می‌زنی.

۶-۲۰: **رونالدینیو در برابر برزیل**: دلم برای

اتنو و ژولی تنگ شده‌است.

ارقام اول هر پارگراف تاریخی است که این

جملات به زبان آورده شده است.

کلینزن در ادامه می‌افزاید: «بازی ما با آرژانتین در

حقیقت مسابقه‌ای است برای حضور در فینال. . . اگر

بتوانیم از سد مدعی نخست جام جهانی عبور کنیم،

دیگر نباید مشکل خاصی در ادامه داشته باشیم. آنها

بازیکنان بزرگ و تعیین‌کننده‌ای دارند که در کنار هم

نمایش گروهی مطلوبی ارائه می‌دهند.»

گفتنی است، آلمان و آرژانتین که نبردهای این دو

غول اروپا و آمریکای لاتین لب‌الب است از نوستالژی،

جمعه در المپیک اشتادین شهر برلین به مصاف هم

خواهند رفت.